

عباس عبدی\*

## درس‌های لردگان

اتفاقات و درگیری‌های لردگان را باید در ادامه رویدادهای قبلی در سال‌های اخیر و حتی تا حدی تاریخی‌تر نگاه کرد. این یادداشت در مقام توضیح بخشی از ابعاد آن است. ابتدا به نظر می‌رسد که ادعای رسمی وزارت بهداشت درباره علت شیوع ایدز یا ویروس اچ‌آی‌وی در روستای مزبور قابل قبول‌تر از ادعاهای غیررسمی آن باشد. بعید است که ادعاهای مطرح شده میان افراد محلی درباره خطای انسانی یا اقدام آگاهانه در آلوده کردن مردم قرین به صحت باشد. در هر حال اینها نکاتی است که قابل اثبات و رد است و باید منتظر گزارش‌های رسمی و متقن بود تا قضاوت قطعی کرد. با این حال به چند نکته باید اشاره کرد.

۱- حدود ۳۰ سال پیش اولین مورد ایدز در ایران دیده شد ولی چنان فضایی علیه ایدز راه افتاده بود که گویی این بیماری، عذاب و بلای آسمانی است که فقط برای افراد و جوامع فاسد نازل شده است و امریکایی‌ها [ZWNJ](#) هستند که در حال پرداخت صورت‌[ZWNJ](#) حساب این گونه گناهان خود هستند. ایدز را آنچنان تابو کردند که حتی اقرار به وجود یک موردش در جامعه ایران نیز پذیرفتنی نمی‌[ZWNJ](#) نمود، چه رسد به اینکه به مردم آموزش دهند تا دچار این بیماری نشوند.

آن [ZWNJ](#) گونه مواجهه نادرست با ایدز، موجب نادیده گرفتن آن و در نتیجه رشد غیرمنتظره آن در ایران شد و در شرایط شیوع اعتیاد در ایران و استفاده از سرنگ‌های مشترک یک جهش افزایشی را در آمار ایدز دیدیم. اثرات آن نحوه برخورد هنوز هم هست که شاهدش در محرمانه کردن آمار و اصل بیماری ایدز در یک روستا و پنهان کردن بیماری از سوی مردم یا کوشش برای انداختن مسوولیت به گردن استفاده از سرنگ آلوده است.

آن سیاست منجر به همراه کردن بدنامی با داشتن بیماری ایدز شد و روند پیشگیری و درمان را با اختلال مواجه کرد؛ در حالی که بسیاری از افراد ایدزی هیچ گناهی ندارند و فقط چوب این طرز تفکر را می‌[ZWNJ](#) خورند. بیش از اینکه از این بیماری زجر بکشند از برچسب خوردن آن در عذاب هستند. از همان زمان بارها تذکر داده شد که ایدز را تابو نکنید که زیان خواهیم دید.

۲- نتیجه برخورد نادرست با این بیماری موجب غفلت از آموزش درباره ایدز و شیوه‌[ZWNJ](#) های پیشگیری از آن شد که هزینه‌[ZWNJ](#) های جبران‌ناپذیری را برای کشور داشته است. نمونه‌[ZWNJ](#) اش جلوگیری از توزیع سرنگ مجانی میان معتادان است که یک مقام مهم سابق که مرحوم شد عامل این امر بود. گویی که این را اتلاف منابع می‌[ZWNJ](#) دید. می‌[ZWNJ](#) پرسیدند که چرا به معتادان سرنگ مجانی داده شود؟! یا کوشش برای جلوگیری از آموزش مربوط به ایدز در نظام آموزشی کشور را اکنون و در حوادث لردگان شاهدیم که چگونه مردم چوب فقدان آموزش را می‌[ZWNJ](#) خورند و در یک محیط بسته روستایی به یکباره شاهد تعداد قابل توجهی مبتلا به ایدز هستیم. آن مشکل فرهنگی و این مشکل آموزشی با یکدیگر جمع می‌[ZWNJ](#) شوند و یک فضای غبارآلود را در مواجهه با مساله ایجاد می‌[ZWNJ](#) کنند.

۳- در کنار اینها، فقدان رابطه منظم و نهادمند میان مردم و حکومت واجد اهمیت است. اگر چنانچه مردم یک روستا و یک شهر نهادهای مردمی و قابل قبول خود را داشته باشند، به طور طبیعی در هر مساله‌[ZWNJ](#) ای می‌[ZWNJ](#) توانند از طریق آن نهاد مطالبات و مشکلات خود را به صورت مدنی با دولت طرح کرده و پاسخ لازم را بگیرند، نه اینکه اولین اقدام اعتراضی آنان، حمله و هجوم به ساختمان دولتی مورد نظر باشد. انجمن‌[ZWNJ](#) ها و نهادهای مردمی قدرتمند و به رسمیت شناخته شده، همه مسائل و مشکلات را با گفت‌[ZWNJ](#) وگو و تفاهم حل خواهند کرد و خواسته‌[ZWNJ](#) های مردم را در یک چارچوب مدنی به دولت منتقل می‌[ZWNJ](#) کنند. اگر ادعاهای وزارت بهداشت در مورد موضوع لردگان درست باشد که به نظر می‌[ZWNJ](#) رسد درست باشد، این ایراد برجسته‌[ZWNJ](#) تر خواهد بود که چرا نتوانستند یک رابطه منطقی و متوازن با مردم ذی‌[ZWNJ](#) نفع برقرار کنند تا کار به اینجا کشیده نشود؟

۴- اظهار نظر مقامات ایرانی در موضوعات خارج از حوزه صلاحیتی آنان ریشه بخش مهمی از تنش‌ها است. از نظر مردم حکومت یک کل پیوسته است. فرقی میان دستگاه قضایی و اجرایی و مجلس نمی‌بینند. اگر یکی از این مقامات به نادرست به امری اقرار کند، همه مردم آن را می‌پذیرند و دیگر امکان اصلاح آن نظر، وجود نخواهد داشت. وظیفه مسوولان است که در چارچوب وظایف خود سخن بگویند و در این گونه موارد خاص، حتماً یک سخنگوی صاحب صلاحیت تعیین کنند و اجازه ندهند که تعارضات در اظهارات آنان منشأ اغتشاش فکری مردم و تشدید بحران شود.

۵- یکی از رفتارهای شایع در مدیریت مشکلات در ایران، امنیتی کردن و در نتیجه محرمانه کردن امور است. به طوری که آن را از مدار تصمیمات مدنی و عادی خارج می‌کنند. حتی اگر عده‌ای فرصت‌طلب و ضدانقلاب از این رویدادها سوءاستفاده کنند، این امر دلیل نمی‌شود که ما نیز در بازی آنها وارد شویم و فضا را امنیتی کنیم. امنیتی کردن مساله آن را از مدار تفاهم و گفت‌وگو خارج می‌کند و این خواست مخالفان است. یک مدیریت آگاه سعی می‌کند که حتی مسائل امنیتی را نیز در قالب‌های عادی حل و فصل کند، نه آنکه مسائل عادی را در چارچوب امنیتی حل کند. حل و فصل عادی مسائل زمانبر است و حوصله می‌خواهد، ولی نتایج آن پایدار و به دور از کینه و نفرت خواهد بود.

۶- یک مورد دیگر که به طور مختصر اشاره می‌کنم و باید دقیق‌تر به آن پرداخت آثار و تبعات بلندمدت سیاست‌های نادرست است. سیاست‌های نادرست اجتماعی مثل ایدز است حداقل چند سال اثرات منفی خود را نشان نمی‌دهد. ولی هنگامی که نشان داد در این مرحله رفع عوارض آن بسیار پرهزینه و حتی ناممکن است. برای نمونه طی دو دهه گذشته همواره نسبت به سیاست‌های غلط پیمانکاران در عسلویه اعتراض می‌شد و نحوه زندگی کارگران مهاجر و موقت در آنجا مورد اعتراض جدی جامعه‌شناسان بود. ولی هیچگاه کسی زحمت این را به خود نمی‌داد که این وضعیت آسیب‌زا را در آنجا اصلاح کند. وضعیت روستای مهاجرفرست از جمله این روستاها گوشه‌ای از عوارض ناهنجاری‌هایی است که پس از ۱۰ سال خود را نشان داده است. لطفاً به روستاهای دیگر هم توجه کنید پیش از آنکه دچار مشکلات چنارمحمودی شوند.

\*روزنامه‌نگار

منبع: روزنامه اعتماد